

## ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس باج‌گیری عاطفی

ذبیح اله عباس پور<sup>۱</sup>، عباس امان الهی<sup>۲</sup>، عسگر چوبداری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۱

### چکیده

باج‌گیری عاطفی شکلی از دستکاری کردن شدید دیگران است، به طوری که اگر خواسته‌های یک فرد در رابطه صمیمانه برآورده نشود، به طور مستقیم و غیرمستقیم از تهدید استفاده می‌کند تا طرف مقابل را تنبیه کند. هدف پژوهش حاضر ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس باج‌گیری عاطفی (EB) شامل روایی سازه، روایی همگرا و همسانی درونی بود. روش تحقیق از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زن متأهل شهر اهواز بودند که از بین آن‌ها ۲۶۹ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به مقیاس باج‌گیری عاطفی و مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک پاسخ دادند. نتایج تحلیل عامل تأییدی ساختار سه عاملی (ترس، التزام و احساس گناه) مقیاس باج‌گیری عاطفی را تأیید کردند اما ساختار دو عاملی این مقیاس تأیید نشد. روایی همگرایی مقیاس باج‌گیری عاطفی از طریق همبسته کردن این مقیاس و عوامل آن با مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک محاسبه شد که همگی معنادار بودند. همسانی درونی باج‌گیری عاطفی و عوامل آن برحسب ضرایب آلفای کرونباخ از ۰/۷۸ تا ۰/۸۵ مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های پژوهش مشخص ساخت روانشناسان و مشاوران خانواده توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: باج‌گیری عاطفی، پایایی، روایی، روان‌سنجی.

۱. استادیار مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) z.abbaspour@scu.ac.ir

۲. دانشیار مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳. دکتری تخصصی روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

## مقدمه

توانایی ایجاد و حفظ رابطه‌ی صمیمانه‌ی رضایت‌بخش یکی از مهم‌ترین تکالیف تحولی است و پیش‌بین بهزیستی روان‌شناختی فرد است (گرینبرگ و گلدمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). یک رابطه‌ی صمیمانه قوی، به‌واسطه‌ی تسهیلگری در ارضای نیاز به عشق، حمایت، عاطفه و فهمیده شدن بر بهزیستی روان‌شناختی فرد تأثیر می‌گذارد و بستری را فراهم می‌کند که فرد با آسودگی خاطر اهداف شخصی خود را دنبال کرده و رضایت از حیطه‌های دیگر زندگی مانند رضایت شغلی را نیز به همراه دارد. افرادی که صمیمیت بیشتری را تجربه می‌کنند خودکارآمدی و عزت‌نفس بالاتری را گزارش می‌دهند و نسبت به اختلالات روانی آسیب‌پذیری کمتری را گزارش می‌دهند. زوجینی که به دنبال درمان برمی‌آیند شدیداً در مورد عدم دریافت پاسخ‌های مناسب هیجانی از طرف همسرانشان ناراضی‌اند و شدت و فراوانی این هیجان‌ات، افراد را در آستانه‌ی پریشانی و طلاق قرار می‌دهد (داتیلیو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). یکی از الگوهای عاطفی مخرب در رابطه‌ی زناشویی که بر ابعاد مختلف رابطه تأثیر دارد، باج‌گیری عاطفی<sup>۳</sup> است.

باج‌گیری عاطفی، اصطلاحی است که اولین بار توسط سوزان فروارد و دانا فریزر مطرح شد (کارنانی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). تعریف باج‌گیری عاطفی کمی دشوار است. در ادبیات به اصطلاحات بسیار مشابهی مثل سوءاستفاده عاطفی<sup>۵</sup>، بدرفتاری روانی<sup>۶</sup>، مغزشویی<sup>۷</sup>، سوءاستفاده کلامی<sup>۸</sup>، خشونت غیر فیزیکی<sup>۹</sup>، آزار روانی<sup>۱۰</sup>، خشونت عاطفی<sup>۱۱</sup>، خشونت روانی<sup>۱۲</sup>، آسیب روانی<sup>۱۳</sup>، سوءاستفاده روانی<sup>۱۴</sup> اشاره شده است (لکوین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵؛ پورا-

1. Greenberg & Goldman
2. Dattilio
3. emotional blackmail
4. Karnani
5. emotional abuse
6. psychological maltreatment
7. brainwashing
8. verbal abuse
9. non-physical violence
10. psychological harassment
11. emotional violence
12. psychological violence
13. emotional battering
14. psychological abuse

گارسیا، اسکارتین، گومز-بنیتو، آلمندروز و مارتین-پنا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). فروارد (۱۹۹۷) معتقد است "باج‌گیری عاطفی شکلی از دستکاری کردن شدید دیگران است، به طوری که اگر خواسته‌های یک فرد را که به ما نزدیک است برآورده نکنیم، به طور مستقیم و غیرمستقیم از تهدید استفاده می‌کند تا ما را تنبیه کند". باج‌گیری عاطفی به مفاهیم روان‌شناختی کاربردی‌تری مثل دستکاری هیجانی<sup>۳</sup>، درهم‌تنیدگی<sup>۴</sup> و رفتار ماکیاولیستی<sup>۵</sup> و چهار اسب‌سوار<sup>۶</sup> گاتمن<sup>۷</sup> نزدیک است (کارنانی، ۲۰۱۸). تحقیقات نشان داده که بین باج‌گیری عاطفی و بهزیستی روان‌شناختی (لیو<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰)، قصد خرید (لیو و ژانگ<sup>۹</sup>، ۲۰۱۶) و ماکیاولیست (چن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰) رابطه وجود دارد. همچنین بین دستکاری هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی (آستین<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ باتکوویچ و براتکو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷) رابطه معنادار وجود دارد.

در تعریف باج‌گیری عاطفی پنج واژه کلیدی وجود دارد. اول این که باج‌گیری عاطفی، قوی و نیرومند است و نوعی اعمال کنترل بر فرد دیگری است. دوم، باج‌گیری عاطفی نوعی دستکاری کردن است؛ استفاده از روش‌های فریب‌کارانه و غیراخلاقی اثرگذاری بر انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای فردی دیگر است. سوم، از طریق کسانی که صمیمی و نزدیک (خانواده، دوستان، افراد شناخته‌شده) هستند، اعمال می‌شود تا بر رفتارها و انتخاب‌های فردی دیگر تأثیر بگذارند. چهارم، تهدید و تنبیه می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اعمال شود. تهدیدهای مستقیم از طریق ارتباطات شفاف به قصد آسیب رساندن (فیزیکی، عاطفی یا روان‌شناختی) به فردی دیگر اعمال می‌شوند (مثلاً "از تو متنفرم"). تهدیدهای غیرمستقیم خیلی کمتر از طریق ارتباطات شفاف اعمال

1. Lecovin
2. Porrúa-García, Escartín, Gómez-Benito, Almendros, & Martín-Peña
3. emotional manipulation
4. enmeshment
5. Machiavellian behavior
6. The Four Horsemen
7. Gottman
8. Liu
9. Jhuang
10. Chen
11. Austin
12. Butkovic & Bratko

می‌شوند و بیشتر به صورت تلویحات زیادی است که اگر هدف آن پیام برآورده نشود، می‌تواند آسیب را به دنبال داشته باشد (مثلاً "شاید کسی از تو متنفر شود"). فروارد (۱۹۹۷) معتقد است باج‌گیران عاطفی<sup>۱</sup> از ترس<sup>۲</sup>، التزام<sup>۳</sup> و احساس گناه<sup>۴</sup> استفاده می‌کنند تا بر افکار، احساسات و رفتارهای دیگران تأثیر بگذارند و دیگران مطیع خواسته‌های آنان شوند. فروارد از اصطلاح "مه<sup>۵</sup>" استفاده می‌کند؛ فرد باج‌گیر این احساسات را به گونه‌ای به کار می‌گیرد که مثل مه جلوی چشم قربانی را می‌گیرد و قربانی نسبت به افکار، احساسات و رفتارهای خود بیگانه می‌شود. پنجم، باج‌گیری عاطفی برای تحمیل یک تغییر (شناختی، عاطفی یا رفتاری) در فرد قربانی به کار گرفته می‌شود (کارنی، ۲۰۱۸).

هسته مرکزی باج‌گیری عاطفی، تهدید مشروط<sup>۶</sup> است. اتلو<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) معتقد است تهدید شرطی یکی از چهار شکل تهدید است (تهدید مستقیم، تهدید غیرمستقیم و تهدید مستتر<sup>۸</sup>). تهدید مشروط زمانی است که فرد یک درخواست بین فردی دارد و تهدید او به این شکل است که اگر خواسته‌اش برآورده نشود، عشق را از رابطه حذف می‌کند یا به فرد مقابل آسیب وارد می‌کند. هدف چنین تهدیدی، اثرگذاری بر فرد دیگر از طریق تهدید عاطفی مستقیم یا غیرمستقیم است تا خواسته‌اش برآورده شود. این نوع تهدید هم می‌تواند مستقیم یا کلامی باشد و هم به صورت تلویحی و به شکل امتناع از صحبت کردن، نادیده گرفتن و خود را جدا کردن<sup>۹</sup> باشد. "اگر تو من را دوست داری پس نباید چیزی بگویی یا کاری انجام دهی" یا "اگر من را دوست داری پس باید این کار را انجام دهی" یا اگر این را به من ندهی، پس من دوست تو نیستم" نمونه‌هایی از این روش تنبیه هستند.

فروارد (۱۹۹۷) باج‌گیری عاطفی را یک فرایند چرخه‌ای تکرارشونده بین باج‌گیر عاطفی<sup>۱۰</sup> و قربانی<sup>۱۱</sup> می‌داند که در شش مرحله درخواست<sup>۱</sup>، مقاومت<sup>۲</sup>، فشار<sup>۳</sup>، تهدید<sup>۴</sup>،

1. emotional blackmailers
2. fear
3. obligation
4. guilt
5. fog
6. conditional threat
7. O'Toole
8. veiled threat
9. walling off
10. emotional blackmailer
11. victim

اطاعت<sup>۵</sup> و تکرار<sup>۶</sup> رخ می‌دهد. در مرحله اول، باج‌گیر عاطفی از قربانی چیزی را درخواست می‌کند. اگر این درخواست با افکار، احساسات و انتخاب‌های فرد قربانی همخوانی نداشته باشد، احتمالاً درخواست او را رد می‌کند. در مرحله دوم، باج‌گیر عاطفی با واکنش‌های جنگ‌و‌گریزی مثل ابراز خشم، ترک موقعیت و یا جدا کردن خود، در برابر فرد قربانی باعث مقاومت می‌شود. زمانی که قربانی به مقاومت خود ادامه می‌دهد، طرف مقابل اعمال فشار می‌کند. در مرحله چهارم، فرد باج‌گیر قربانی را به شکل‌های مختلف تهدید می‌کند. در مرحله پنجم قربانی از درخواست‌های طرف مقابل اطاعت می‌کند.

فروارد (۱۹۹۷) معتقد است افرادی که باج‌گیری عاطفی می‌کنند به چهار طبقه تقسیم می‌شوند؛ تنبیه‌کنندگان<sup>۷</sup>، خود تنبیه‌کنندگان<sup>۸</sup>، رنجبران<sup>۹</sup> و ناکام‌کنندگان<sup>۱۰</sup>. این سبک‌های ارتباطی با اعمال اجبار به دنبال کسب اطاعت هستند. تنبیه‌کنندگان به دو روش فعال و منفعل عمل می‌کنند و اگر به خواسته خود نرسند فرد قربانی را تنبیه می‌کنند. خود تنبیه‌کنندگان اگر به خواسته خود نرسند با استفاده از رفتارهایی مثل تهدید به خودکشی کردن یا رفتارهای خودآسیب‌رسان<sup>۱۱</sup> فرد قربانی را آزار می‌دهند. رنجبران معتقدند فقط زمانی رنجشان کم می‌شوند و کمتر احساس بدبختی می‌کنند که قربانی به خواسته آن‌ها را اطاعت کند. به عبارتی آن‌ها این احساس را به فرد قربانی تزریق می‌کنند که او باعث همه مشکلات یا دردهای طرف مقابل است. ناکام‌کنندگان از پاداش استفاده می‌کنند و فرد قربانی را تحریک می‌کنند، به طوری که اگر خواسته آن‌ها را اطاعت کند به او پاداش می‌دهند اما در واقع زمانی که به هدف خود می‌رسند معمولاً هیچ پاداشی به فرد قربانی نمی‌دهند.

- 
1. demand
  2. resistance
  3. pressure
  4. threats
  5. compliance
  6. repetition
  7. punishers
  8. self-punishers
  9. sufferers
  10. tantalizers
  11. self-destructive

فروارد (۱۹۹۷) معتقد است بیشتر افراد در طول مراحل رشدی، به شکلی مورد سوءاستفاده عاطفی قرار گرفته‌اند. والدین در عوض عشق و پذیرشی که نسبت به فرزندان خود دارند، انتظار دارند که فرزندان مطیع و فرمان‌بردار باشند. ممکن است والدین به‌طور سهوی از فرزندان خود باج‌گیری عاطفی کنند و باعث احساسات منفی مثل خشم، گناه و عدم تأیید شوند. همچنین این فرزندان ممکن است در جامعه و مدرسه نیز تجربه‌های مشابهی داشته باشند.

از هر شش زن، حداقل یک نفر خشونت فیزیکی، سوءاستفاده عاطفی، روانی و جنسی را توسط همسر خود تجربه می‌کند (لکوین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵). باج‌گیری عاطفی به‌اندازه سایر اشکال خشونت، به‌خصوص خشونت فیزیکی مورد توجه قرار نگرفته است؛ درحالی‌که اثرات این الگوی ارتباطی می‌تواند به‌اندازه خشونت فیزیکی آسیب به دنبال داشته باشد (کاراکورت، ارگانر-تینالپ و ترزی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ ایزنبرگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). باج‌گیری عاطفی یک مسئله پیچیده است. گاهی افراد نمی‌دانند که رنجش‌های آنان در یک رابطه زناشویی، نشأت گرفته از جریان دیگری است که امروز باج‌گیری عاطفی (سوءاستفاده عاطفی) شناسایی می‌شود. بعضی از افراد، از گفتن آسیب‌های عاطفی خود حتی در حضور درمانگر امتناع می‌کنند و این امتناع به خاطر اجتناب از احساس شرم خودشان است. زنانی که در چنین الگوی ارتباطی زناشویی هستند آسیب می‌بینند، ادراک واضحی از آنچه برایشان پیش آمده ندارند، نمی‌خواهند رابطه زناشویی آن‌ها تمام شود و می‌ترسند که رابطه را ترک کنند (لکوین، ۱۹۹۵).

برای بررسی الگوهای ارتباطی و عاطفی زوجین، ابزارهای متنوعی ساخته شده است که ابعاد مختلف روابط زناشویی را بررسی می‌کنند. مقیاس باج‌گیری عاطفی<sup>۴</sup> یکی از جدیدترین ابزارهایی است که توسط کارنی (۲۰۱۸) در هنگ‌کنگ<sup>۵</sup> و با هدف شناخت بیشتر باج‌گیری عاطفی ساخته شده است. ساختار اولیه این مقیاس (۲۵ ماده) شامل خرده مقیاس ترس (۱۰ ماده)، التزام (۷ ماده) و احساس گناه (۸ ماده) بود که بر اساس حرف اختصاری مه (FOG) مطرح‌شده توسط فروارد (۱۹۹۷) شکل گرفته بود. این مقیاس ۲۵

1. Lecovin
2. Karakurt, Ergüner-Tekinalp & Terzi
3. Eisenberg
4. Emotional Blackmail Scale
5. Hong Kong

ماده داشت و به شیوه لیکرت ۵ درجه‌ای، از ۰ تا ۱۰۰ درجه‌بندی می‌شد. این مقیاس در نمونه‌ای شامل ۱۷۰ زن و ۲۹ مرد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل عامل اکتشافی<sup>۱</sup> نشان داد که مدل دو عاملی این مقیاس مناسب است. شاخص کفایت نمونه‌گیری کایزر-مایر-اولکین<sup>۲</sup> (KMO) ۰/۹۲ و آزمون کرویت باتلر<sup>۳</sup> در سطح ۰/۱۰۰ معنادار گزارش شد. ۳ ماده بار عاملی کافی نداشتند و دو ماده نیز در هر دو عامل مشترک بودند؛ بنابراین نسخه نهایی این مقیاس به ۲۰ ماده کاهش پیدا کرد که ۸ ماده مربوط به خرده مقیاس ترس و ۱۲ ماده مربوط به خرده مقیاس التزام/احساس گناه بود. این دو عامل ۴۷/۸ درصد واریانس را به خود اختصاص دادند که ۳۹/۵ درصد آن به عامل ترس و ۸/۲ درصد به التزام/احساس گناه اختصاص داشت. پژوهش کارنی (۲۰۱۸) نشان داد که مقیاس باج‌گیری عاطفی ابزاری معتبر و پایا برای کاربردهای تشخیصی و پژوهشی است.

در حالی که رابطه زناشویی مظهر شکل‌گیری الگوهای عاطفی پیچیده است و بررسی دقیق اشکال روابط آسیب‌زا در روابط زناشویی ضرورت دارد، نظریات فرورد در مورد باج‌گیری عاطفی معمولاً در کتاب‌های عامیانه منتشر شده و اکثر کارهای پژوهشی مرتبط با باج‌گیری عاطفی در حیطه سازمانی و روابط شغلی انجام شده است (لیو و چانگ، ۲۰۱۶). استفاده از ابزارهای دقیق و استاندارد می‌تواند به درمانگران کمک کند تا الگوهای باج‌گیری عاطفی را در روابط زوجین شناسایی کنند و چرخه ناکارآمد الگوهای آسیب‌زا را متوقف کنند. همچنین آنچه ضرورت شناسایی و اندازه‌گیری باج‌گیری عاطفی را بیشتر می‌کند توجه به این موضوع مهم است که تحقیقات اخیر باج‌گیری عاطفی را شکلی متمایز از همسر آزاری است که علل و پیامدهای خاص خود را دارد (کاراکورت و همکاران، ۲۰۰۹)؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر پاسخ به پرسش‌های زیر است: (۱) آیا مدل دو عاملی مقیاس باج‌گیری عاطفی از برازش کافی برخوردار است؟ (۲) آیا مقیاس باج‌گیری عاطفی از روایی سازه همگرای مناسبی برخوردار است؟ (۳) آیا مقیاس باج‌گیری عاطفی از پایایی کافی برخوردار است؟

## روش

1. exploratory factor analysis
2. Kaiser-Meyer-Olkin
3. Bartlett's Test of Sphericity

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش زنان متأهل شهر اهواز در سال ۱۳۹۷ بودند که از بین آن‌ها ۲۶۹ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین صورت که از زنان متأهل حاضر در همایش‌ها، پارک‌ها، جلسات انجمن اولیا و مراکز تجاری خواسته شد به پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناسی، مقیاس باج‌گیری عاطفی (کارنی، ۲۰۱۸) و مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک<sup>۱</sup> (گاتمن، ۱۹۹۹) پاسخ دهند. حداقل و حداکثر سن آزمودنی‌ها به ترتیب ۳۵ و ۷۲ سال و میانگین و انحراف استاندارد سن آن‌ها به ترتیب ۳۸ و ۸/۶۱ سال بود. ۹/۳ درصد زیر ۲۰ سال، ۲۱/۸ درصد ۲۱ تا ۳۰ سال، ۳۸/۹ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال و ۳۰ درصد بالای ۴۰ سال سن داشتند. ۳۳/۶ درصد دیپلم، ۱۶ درصد فوق‌دیپلم، ۳۴/۶ درصد لیسانس، ۸/۹ درصد فوق‌لیسانس و ۵/۹ درصد دکتری داشتند. میانگین و انحراف استاندارد مدت ازدواج شرکت‌کنندگان به ترتیب ۱۲/۳۶ و ۷/۸۷ سال بود.

ابزار سنجش: مقیاس باج‌گیری عاطفی: مقیاس باج‌گیری عاطفی توسط کارنی (۲۰۱۸) و بر اساس حرف اختصاری مه (FOG) مطرح‌شده توسط فروارد (۱۹۹۷) ساخته شده است. این مقیاس ۲۰ ماده دارد و از دو خرده‌مقیاس ترس (۸ ماده) و التزام/احساس گناه (۱۲ ماده) تشکیل شده است. این مقیاس در طیف لیکرت و به صورت هرگز (۰) تا همیشه (۴) نمره‌گذاری می‌شود و حداقل و حداکثر این پرسشنامه ۰ تا ۸۰ است. نمرات بالا نشانه باج‌گیری عاطفی زیاد در رابطه زناشویی است. پایایی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس ترس ۰/۸۷، التزام/احساس گناه ۰/۹۱ و کل مقیاس ۰/۹۲ گزارش شده است. همچنین ضریب همبستگی مقیاس باج‌گیری عاطفی با مقیاس تاکتیک‌های دستکاری هیجانی<sup>۲</sup> (باس<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۸۵) ۰/۶۱، مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک (گاتمن، ۱۹۹۹) ۰/۷۹ و شاخص رضایت زناشویی<sup>۴</sup> (فانک و راج<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷) ۰/۶۳ - گزارش شد.

مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک: این مقیاس ابزاری است که توسط گاتمن (۱۹۹۹) برای اندازه‌گیری ارتباطات ناسازگارانه زوجین در روابط زناشویی ساخته شده است. این

1. The Four Horsemen of the Apocalypse Scale
2. Emotional Manipulation Scale
3. Buss
4. Couples Satisfaction Index
5. Funk & Rogge



مقیاس ۳۳ ماده خود گزارشی دارد و از چهار خرده مقیاس انتقاد<sup>۱</sup>، سرزنش<sup>۲</sup>، مقاومت<sup>۳</sup> و دیوار دفاعی<sup>۴</sup> تشکیل شده است. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت درست (۱) و غلط (۰) است. گاتمن و گاتمن (۲۰۰۰) آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های این ابزار را ۰/۹۳ تا ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. کارنی (۲۰۱۸) آلفای کرونباخ چهار خرده مقیاس انتقاد، سرزنش، مقاومت و دیوار دفاعی را به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۰، ۰/۷۸ و ۰/۶۵ و کل مقیاس را ۰/۹۶ گزارش کرد. محمدی و پیرخائفی (۱۳۹۳) ضریب همبستگی این مقیاس را با مقیاس کیفیت روابط زناشویی (محمدی و پیرخائفی، ۱۳۹۳) ۰/۵۶۷ گزارش کردند.

### نتایج

جدول ۱ نتیجه‌ی به دست آمده از تحلیل عامل تأییدی به کمک شاخص‌های برازندگی را نشان می‌دهد. در این پژوهش مقدار  $\chi^2$  دو (۳/۴۶)،  $\chi^2/df$  و دیگر شاخص‌های آمد ( $df = 169, p < 0.001$ ). با توجه به مقدار  $\chi^2/df$  (۳/۴۶) و دیگر شاخص‌های برازندگی مدل دو عاملی ( $GFI=0.79$ ،  $AGFI=0.74$ ،  $CFI=0.75$ ) و  $RMSEA=0.094$ ، مدل دو عاملی برازنده نیست. کلاین<sup>۵</sup> (۲۰۰۱)؛ ترجمه صدرالسادات و مینایی، (۱۳۸۰) معتقد است در تحلیل عامل تأییدی مدل‌هایی باید آزمون شوند که مبتنی بر نظریه و یا کارهای قبلی باشند. همچنین برازنده بودن یک مدل به این معنا نیست که هیچ مدل دیگری با داده‌ها برازندگی ندارد یا این که این مدل دارای بهترین برازندگی است. در نظریه مطرح شده فروارد (۱۹۹۷) تأکید شده که باج‌گیری عاطفی از سه عامل ترس، التزام و احساس گناه تشکیل شده است. لذا بر اساس مبنای نظری باج‌گیری عاطفی، در این پژوهش به مدل اولیه کارنی (۲۰۱۸) مراجعه شد و ماده‌های مربوط به التزام و احساس گناه مجدداً تفکیک شد و نهایتاً مدل سه عاملی مورد تحلیل قرار گرفت. در تحلیل مدل سه عاملی، مقدار  $\chi^2$  دو (۳۲۴/۱۱)،  $\chi^2/df$  و مقدار  $\chi^2/df$  ۱/۹۴ به دست آمد که نشانگر برازندگی الگوی سه عاملی مقیاس باج‌گیری عاطفی است. در مدل سه عاملی مقدار  $RMSEA$  ۰/۰۵۹ به دست آمد که گویای برازندگی مناسب ساختار سه عامل با داده‌ها

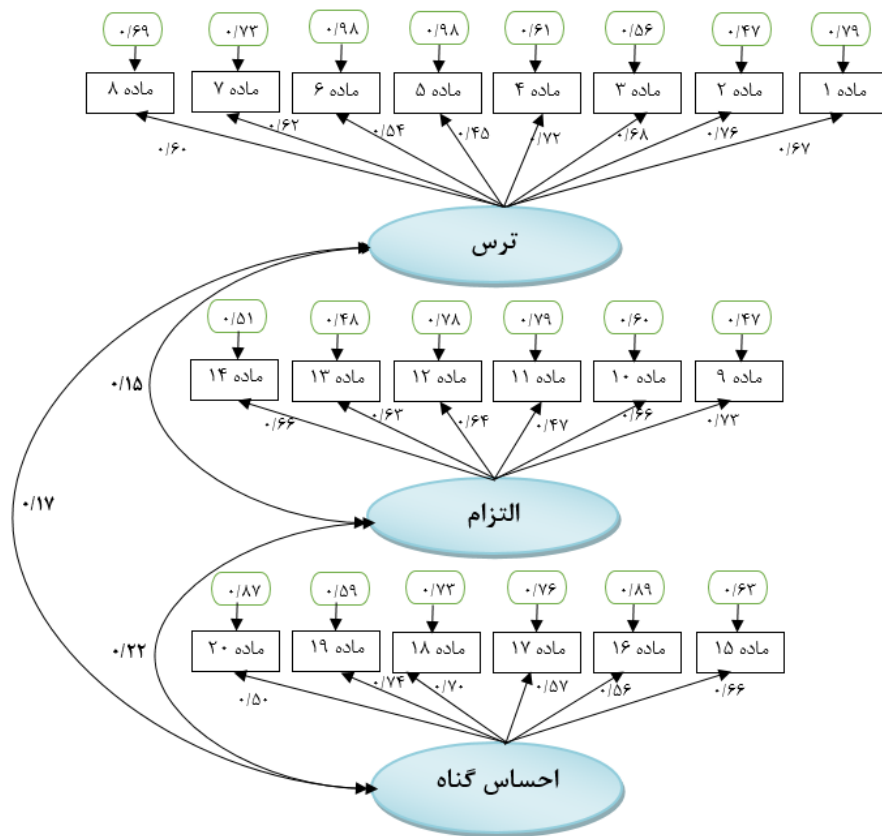
1. criticism
2. contempt
3. defensiveness
4. stonewalling
5. Kline

است (نیکنامی و همکاران، ۱۳۸۹). دیگر شاخص های برازندگی مدل ( $CFI=0/90$ )، ( $AGFI=0/87$  و  $GFI=0/90$ )، نیز نشان دهنده برازندگی مناسب مدل هستند. در نتیجه می توان گفت که یافته های پژوهش، ساختار سه عاملی مقیاس باج گیری عاطفی را در نمونه ی ایرانی تأیید می کنند.

جدول ۱. شاخص های برازندگی مدل برای ساختار سه عاملی مقیاس باج گیری عاطفی

شاخص	$\chi^2$	p,df	$\chi^2/df$	GFI	AGFI	CFI	NFI	RMSEA
مدل دو عاملی	۵۶۵/۲۸	۰/۰۰۱	۳/۴۶	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۷۵	۰/۶۸	۰/۰۹۴
مدل سه عاملی	۳۲۴/۱۱	۰/۰۰۱	۱/۹۴	۰/۹۰	۰/۸۷	۰/۹۰	۰/۸۲	۰/۰۵۹

در شکل ۱ مدل تحلیل عاملی تأییدی برای ساختار سه عاملی مقیاس باج گیری عاطفی نمایش داده شده است.



شکل ۱. مدل تحلیل عامل تأییدی برای مقیاس باج‌گیری عاطفی

در جدول ۲ نیز پارامترهای مدل اندازه‌گیری مقیاس باج‌گیری عاطفی در تحلیل عامل تأییدی ارائه شده است. مقادیر پارامتر استاندارد B ذکر شده در جدول ۲، توان بالای متغیرهای مشاهده‌شده، روی متغیرهای مکنون نشان می‌دهد. علاوه بر آن، مقادیر نسبت بحرانی بزرگ‌تر از ۲، حاکی از معناداری تمام آن‌هاست. تمام بارهای عاملی موجود در سطح  $p < ۰/۰۰۱$  معنادار بوده و ارزش عددی آن‌ها بالاتر از ۰/۵ است (به‌جز ماده ۵) که بیانگر برازش مناسب الگوی سه عاملی مقیاس است. کمترین ضریب (۰/۴۵) متعلق به ماده ۵ و بیشترین ضریب (۰/۷۶) متعلق به ماده ۲ است. در مجموع این یافته‌ها نشان می‌دهند که هر کدام از ۲۰ ماده مقیاس باج‌گیری عاطفی به‌صورت قابل قبولی عامل‌های ترس، التزام و احساس گناه را اندازه‌گیری می‌کند.

جدول ۲. پارامترهای مدل اندازه‌گیری مقیاس باج‌گیری عاطفی در تحلیل عامل تأییدی

متغیر مکنون	برآورد پارامتر (b)	پارامتر استاندارد (B)	خطای استاندارد	نسبت بحرانی
ترس - ماده ۱	۱/۰۰	۰/۶۷	-	-
ترس - ماده ۲	۰/۹۹	۰/۷۶	۰/۱۰	۱۰/۳۷*
ترس - ماده ۳	۰/۸۷	۰/۶۸	۰/۰۹	۹/۵۴*
ترس - ماده ۴	۰/۹۹	۰/۷۲	۰/۱۰	۹/۷۶*
ترس - ماده ۵	۰/۶۴	۰/۴۵	۰/۱۰	۶/۷۰*
ترس - ماده ۶	۰/۷۹	۰/۵۴	۰/۱۰	۸/۰۱*
ترس - ماده ۷	۰/۸۳	۰/۶۲	۰/۱۰	۸/۶۱*
ترس - ماده ۸	۰/۷۶	۰/۶۰	۰/۰۹	۸/۵۶*
التزام - ماده ۱۴	۱/۰۰	۰/۶۶	-	-
التزام - ماده ۱۳	۰/۹۱	۰/۶۳	۱۱	۸/۳۸*
التزام - ماده ۱۲	۱/۱۸	۰/۶۴	۰/۱۴	۸/۶۷*
التزام - ماده ۱۱	۰/۷۶	۰/۴۷	۰/۱۲	۶/۶۰*
التزام - ماده ۱۰	۱/۰۸	۰/۶۶	۰/۱۳	۸/۴۶*
التزام - ماده ۹	۱/۱۷	۰/۷۳	۰/۱۲	۹/۴۶*
احساس گناه - ماده ۱۵	۱/۰۰	۰/۵۸	-	-
احساس گناه - ماده ۱۶	۱/۱۴	۰/۵۶	۰/۱۷	۶/۸۲*
احساس گناه - ماده ۱۷	۱/۰۸	۰/۵۷	۰/۱۵	۷/۲۹*
احساس گناه - ماده ۱۸	۱/۴۹	۰/۷۰	۰/۱۹	۷/۷۵*
احساس گناه - ماده ۱۹	۱/۵۲	۰/۷۴	۰/۱۹	۸/۱۰*
احساس گناه - ماده ۲۰	۰/۹۷	۰/۵۰	۰/۱۵	۶/۵۳*
توجه: چون بارهای عاملی ماده‌های ۱، ۱۴ و ۱۵ با عدد یک تثبیت شده، خطای استاندارد و نسبت بحرانی برای آزمون معناداری آن محاسبه نشده است				
* $p < ۰/۰۰۱$				

برای بررسی پایایی مقیاس باج‌گیری عاطفی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج آن در جدول ۵ آمده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، پایایی عامل اول (ترس) ۰/۸۴، عامل دوم (التزام) ۰/۸۰، عامل سوم (احساس گناه) ۰/۷۸ و کل مقیاس باج‌گیری عاطفی ۰/۸۵ به دست آمد که به نظر می‌رسد از نظر آماری برای هدف‌های پژوهشی مناسب است.

جدول ۳. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس باج‌گیری عاطفی و عوامل آن

مؤلفه	تعداد گویه	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب آلفای کرونباخ
ترس	۸	۱۴/۴۲	۶/۰۷	۰/۸۴
التزام	۶	۱۲/۸۱	۴/۲۶	۰/۸۰
احساس گناه	۶	۱۱/۵۴	۴/۵۶	۰/۷۸
کل مقیاس	۲۰	۳۹/۰۸	۱۰/۸۷	۰/۸۵

برای بررسی روایی سازه همگرا، مقیاس باج‌گیری عاطفی با مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک همبسته شد. جدول ۶ ضریب همبستگی بین مقیاس باج‌گیری عاطفی و مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی ساده بین مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک با ترس، التزام، احساس گناه و کل مقیاس باج‌گیری عاطفی به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۵۵، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ است که همگی آن‌ها در سطح  $p < ۰/۰۱$  مثبت و معنادار هستند. این نتایج به این معنا است که مقیاس باج‌گیری عاطفی و مؤلفه‌های آن رابطه مثبت و معناداری با مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک دارد.

جدول ۴. ضریب همبستگی پیرسون بین مقیاس باج‌گیری عاطفی و مؤلفه‌های آن‌ها با مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک

متغیر	مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک	P (سطح معناداری)
ترس	۰/۵۶**	۰/۰۰۱
التزام	۰/۵۵**	۰/۰۰۱
احساس گناه	۰/۴۵**	۰/۰۰۱
کل مقیاس	۰/۶۱**	۰/۰۰۱

\*\*  $p < ۰/۰۱$

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس باج‌گیری عاطفی صورت گرفت. نتایج تحلیل عامل تأییدی اولیه نشان داد که مدل دو عاملی این مقیاس برآزش قابل قبولی را ندارد و این مقیاس ساختار سه عاملی دارد. این یافته با نتایج پژوهش کارنی (۲۰۱۸) همخوانی ندارد. نسخه اولیه مقیاس باج‌گیری کارنی (۲۰۱۸) از ۲۵ ماده و سه عامل ترس (۱۰ ماده)، التزام (۷ ماده) و احساس گناه (۸ ماده) تشکیل شده بود. این ماده‌ها دقیقاً بر اساس نظریات فروارد (۱۹۹۷) در مورد باج‌گیری عاطفی تنظیم شده بودند. تحلیل عامل اکتشافی کارنی (۲۰۱۸) نشان داد با حذف ۵ ماده، این مقیاس از ۲۵ ماده و ۲ عامل تشکیل شده است. این تقلیل ماده‌ها در حالی بود که از ۵ ماده حذف شده، ۲ ماده بار عاملی قابل قبولی داشتند اما چون در هر دو عامل مشترک بودند، در عاملی گنجانده شدند که مقدار بار عاملی بالاتر بود. در پژوهش کارنی (۲۰۱۸) عامل التزام/احساس گناه ترکیبی از دو عامل نسخه اولیه بود، اما در این پژوهش این عامل به دو عامل جداگانه التزام و احساس گناه تقسیم شد و هر ماده در همان عامل نسخه اولیه کارنی (۲۰۱۸) بارگذاری شد. تائید مدل نسخه فارسی این مقیاس بدون هیچ‌گونه تغییری در تعداد سؤالات، ناشی از ترجمه مناسب و برگردان هماهنگ اصطلاحات موجود بین دو زبان انگلیسی و فارسی بوده و در ارزیابی مقیاس باج‌گیری عاطفی در نمونه ایرانی، نسخه فارسی موجب درک و تفسیر صحیحی از سؤالات به شکل مشابهی با نسخه انگلیسی شده است. علاوه بر این، تمامی مقادیر استاندارد شده بار عاملی مدل تحلیل عاملی از معناداری آماری (به‌جز ماده ۵، بقیه ماده‌ها بالاتر از ۰/۵ بودند) برخوردار بودند که بیانگر پیشگویی معناداری عامل‌ها به وسیله سؤالات بود.

تفکیک دو عامل التزام و احساس گناه در این پژوهش می‌تواند ناشی از تفاوت در مبنای فرهنگی باشد. ارزش‌ها، باورها و فرهنگ، افراد را شکل می‌دهند و به هنجارها و قواعدی تبدیل می‌شوند که در شکل‌گیری تفکر، احساس و رفتارها نقش دارند. این باورهای شناختی، انتخاب‌های افراد را مشخص می‌کنند به طوری که تشخیص دهد چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. این شناخت‌ها، احساس التزام فرد به همسر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این که چطور باید با همسرش رفتار کند. خیلی از افراد احساس می‌کنند تحت هر شرایطی و بدون توجه به شرایط و نیازهای خود، ملزم به حمایت از فرزندان،

اطاعت از والدین و حمایت از همسرشان هستند. در بسیاری از فرهنگ‌ها و کشورها، به زنان آموخته‌اند که پایین‌تر از همسرشان هستند. چنین باورهای ریشه‌داری باعث فشارهای فراوانی به قربانی می‌شود. باج‌گیر عاطفی با اطلاع و استفاده از این باورها، به فرد قربانی نشان می‌دهند که ملزم به پیروی از همسرشان هستند (کارنی، ۲۰۱۸). آنچه میزان مسئولیت‌ها و وظایف زن در فرهنگ خوزستان برای زنان تعریف می‌شود می‌تواند متفاوت از فرهنگ هنگ‌کنگ باشد. هال و کلارک<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) معتقدند هر چه فرد در قبال دیگران احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند، احساس گناه بیشتری را تجربه می‌کنند. از طرف دیگر پژوهش‌های انجام شده در ایران نشان می‌دهد دینداری و معنویت با احساس گناه رابطه مثبت دارد (جوکار و کمالی، ۱۳۹۴؛ تیبک، آقابابایی و فتیحی آشتیانی، ۱۳۹۴). درحالی‌که پژوهش انجام شده در طیفی از سکولار تا مذهبی انجام گرفته است. لازم به ذکر است در پژوهش کارنی (۲۰۱۸) تقریباً ۱۵ درصد نمونه را مردان تشکیل می‌دادند و عوامل استخراج شده منتج از هر دو جنس بود. درحالی‌که پژوهش حاضر فقط در زنان انجام شده است.

در پژوهش حاضر برای بررسی روایی سازه همگرایی مقیاس باج‌گیری عاطفی، ضریب همبستگی این مقیاس با مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک به دست آمد که معنادار بود و نشانگر روایی مناسب مقیاس است؛ زیرا اندازه‌ی ضرایب روایی در مقایسه با ضرایب پایایی مقادیر کمتری هستند. ضریب پایایی ۰/۵۰ برای مقاصد پژوهشی ضریب پایینی تلقی می‌شود، اما ضریب روایی ۰/۵۰ یک ضریب نسبتاً بالا محسوب می‌شود (شریفی، ۱۳۸۰). ضریب همبستگی ساده بین مقیاس چهار اسب‌سوار مهلک با ترس، التزام، احساس گناه و کل مقیاس باج‌گیری عاطفی به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۵۵، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ بود که همگی آن‌ها در سطح  $p < 0.01$  مثبت و معنادار بودند. کارنی (۲۰۱۸) ضریب همبستگی مقیاس دستکاری عاطفی<sup>۲</sup> (TMS)، باس<sup>۳</sup> و همکاران، (۱۹۸۵) را با ترس، التزام/احساس گناه و کل مقیاس باج‌گیری عاطفی به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۴۲ و ۰/۶۴ گزارش کرد. همچنین ضریب همبستگی شاخص رضایت زناشویی<sup>۴</sup> (CSI)، فانک و راج<sup>۵</sup>، (۲۰۰۷) با ترس، التزام/احساس

1. Hall & Clark
2. Emotional Manipulation Scale
3. Buss
4. Couples Satisfaction Index
5. Funk & Rogge

گناه و کل مقیاس باج‌گیری عاطفی به ترتیب ۰/۶۳-، ۰/۶۰- و ۰/۵۴- به دست آمد (کارنی، ۲۰۱۸). همخوانی نتایج این پژوهش با پژوهش کارنی (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که سؤالات این مقیاس به شکل مطلوبی باج‌گیری عاطفی را در نمونه ایرانی ارزیابی می‌کند. ضرایب پایایی ۰/۷۰ و یا بیشتر معمولاً برای مقاصد پژوهشی کفایت می‌کند (شریفی، ۱۳۸۰). ضریب پایایی ترس، التزام، احساس گناه و کل مقیاس باج‌گیری عاطفی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۰، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ به دست آمد. در پژوهش کارنی (۲۰۱۸) ضریب پایایی ترس، التزام/احساس گناه و کل مقیاس باج‌گیری عاطفی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۹۱ و ۰/۹۲ گزارش شده است.

نتایج حاصل از همسانی درونی مقیاس‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، نشان‌دهنده مطلوب بودن همسانی یا ثبات درونی بود. احتمالاً ترجمه مناسب و برداشت یکسان و هماهنگی زنان ایرانی از نسخه فارسی مقیاس، موجب افزایش ثبات درونی مقیاس را فراهم ساخته است. بررسی ثبات درونی با استفاده از آلفای کرونباخ نشان داد که سؤالات نسخه فارسی این مقیاس، به‌عنوان یک مجموعه با هم پیوند مطلوبی دارند و به‌طور مستقیم مفهوم یکسانی را می‌سنجند و پاسخ‌دهندگان مفهوم کلی یکسانی را از هریک از سؤالات دریافت نموده‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر، نتایج بررسی پایایی نشان داد که این مقیاس از دقت بسیار بالایی در سنجش سازه‌های ترس، التزام و احساس گناه برخوردار هستند و می‌توانند برای پژوهشگران و درمانگران حوزه‌ی خانواده مفید و مؤثر باشند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به روش نمونه‌گیری در دسترس اشاره کرد؛ بنابراین تعمیم نتایج به جامعه باید با احتیاط انجام شود. با توجه به این که پژوهش حاضر در زنان متأهل شهر اهواز انجام گرفته است، لذا تعمیم نتایج به جوامع دیگر باید با احتیاط و با توجه به ملاحظات فرهنگی - اجتماعی خاص آن جوامع صورت گیرد؛ بنابراین تکرار این پژوهش در مناطق و جمعیت‌های مختلف کشور با روش‌های نمونه‌گیری تصادفی پیشنهاد می‌شود. شناخت نشانه‌های باج‌گیری عاطفی و تحلیل این رفتار برای زوجینی که الگوهای عاطفی ناکارآمدی دارند، به درمانگران خانواده پیشنهاد می‌شود.



## منابع

- تیبیک، محمدتقی؛ آقابابایی، ناصر و فتیحی آشتیانی، علی (۱۳۹۴). رابطه احساس گناه و شرم با دینداری و سلامت روان. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ۱(۱)، ۱۷۶-۱۶۰.
- جوکار، بهرام و کمالی، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۵(۱)، ۲۱-۳.
- شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۰). *اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی*. تهران: انتشارات رشد.
- کلاین، پل (۱۹۹۴). راهنمای آسان تحلیل عاملی. سیدجلال صدرالسادات و اصغر مینایی، ۱۳۸۰. تهران: انتشارات سمت.
- محمدی، سحر و پیرخائقی، علیرضا (۱۳۹۳). ساخت و اعتباریابی مقیاس کیفیت روابط زناشویی با تأکید بر تئوری انتخاب گلاسر. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۸(۵)، ۷۶-۴۵.
- نیک‌نامی، محمد، تقی‌پورظهیر، علی. و غفاری‌مجلج، محمد. (۱۳۸۹). بررسی پایایی و روایی پرسشنامه ارزیابی نوآوری سازمانی آمید و همکاران ۲۰۰۲. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۱(۳)، ۱۰۱-۱۱۹.
- Austin, E. J., Farrelly, D., Black, C., & Moore, H. (2007). Emotional intelligence, Machiavellianism and emotional manipulation: Does EI have a dark side? *Personality and Individual Differences*, 43(1), 179-189.
- Butkovic, A., & Bratko, D. (2007). Family study of manipulation tactics. *Personality and Individual Differences*, 43(4), 791-801.
- Chen, S. (2010). Relations of Machiavellianism with emotional blackmail orientation of salespeople. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 5, 294-298.
- Dattilio, F. M, N. B. (2010). *Cognitive-behavior couple and family therapy. The family therapy Handbook*. New York: Routledge.
- Eisenberg, F. I. (2011). *"I Could See Colors Again": How Women End Emotional Abuse by Accessing Agency*. City University of New York.
- Forward, S., & Frazier, D. (1997). *Emotional blackmail: when the people in your life use fear, obligation, and guilt to manipulate you*. New York, NY: HarperCollins.
- Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically based marital therapy*. New York, NY: Norton.
- Gottman, J. M., Gottman, J. S., (2000). *Clinical Training, Gottman Method Couples Therapy, Bridging the Couple Chasm*. The Gottman Institute, Inc.

- Greenberg, L. S., & Goldman, R. N. (2008). *Emotion-focused couples therapy: The dynamics of emotion and power*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Hale, M. A., & Clark, D. A. (2013). When good people have bad thoughts: Religiosity and the emotional regulation of guilt-inducing intrusive thoughts. *Journal of Psychology and Theology*, 41(1), 24-35.
- Karakurt, G., Ergüner-Tekinalp, B., & Terzi, Ş. (2009). The Psychometric Qualities of the Turkish Version of Emotional Abuse Questionnaire. *Eurasian Journal of Educational Research (EJER)*, (36).
- Karnani, S., R. (2018). *Emotional blackmail within couple relationships in Hong Kong*. Unpublished Doctoral Dissertation, Alliant International University Hong Kong.
- Lecovin, K. E. (1995). *An existential-phenomenological approach to understanding the experience of emotional abuse*. The Union Institute.
- Liu, C. (2010). The relationship between employees' perception of emotional blackmail and their well-being. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 5, 299-303.
- Liu, C., & Jhuang, S. (2016). The Study of Emotional Blackmail toward Consumer Purchasing Intention - Moderating Variables of Self-Esteem. *Marketing Review (Xing Xiao Ping Lun)*, 13(2), 185-215.
- O'Toole, M. E. (2000). *The school shooter: a threat assessment perspective*. Quantico, VA: FBI Academy.
- Porrúa-García, C., Escartín, J., Gómez-Benito, J., Almendros, C., & Martín-Peña, J. (2016). Development and validation of the scale of psychological abuse in intimate partner violence (EAPA-P). *Psicothema*, 28(2), 214-221.